

خبرنامه



چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

شماره: ۳۵ تاریخ ۱۳۵۹/۷/۴

باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

پیش روی سازماندهی مبارزات توده‌ها!

باز هم یکی دیگر از یاران ما به شهادت رسیده رفیق رضابهر پشمرگه قهرمان چریکهای فدائی خلق ایران در نبرد با ارتش ضد خلقی در کردستان به شهادت رسیده رفیق رضابهر را بسیاری از مردم بابل بخوبی میشناختند. رفیق رضا در جریان جنبش خلق بر علیه حکومت محمد رضا شاه خائن یکی از فعالترین چهره های شهر بابل بود و تمامی کسانی که با رفیق ما آشنائی دارند می دانند که رفیق رضا تا چه اندازه با مردم که عمیقاً دوستان داشت، صمیمی و مهربان بود. باشد که بجای هر مبارزی که بر زمین افتد دهها تن سر بر آورند و راه سرخ او ادامه دهند.

به مناسبت شهادت رفیق رضا بهفر پشمرگه قهرمان چریکهای فدائی خلق ایران، چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران اعلامیه ای داده اند که عیناً در اینجا درج میشود. قابل تذکر است که شهادت رفیق در این اعلامیه به اشتباه ۵۹/۶/۲۳ ذکر شده است که تاریخ درست آن ۵۹/۶/۱۸ است. علت چنین اشتباهی آن بود که در روز ۵۹/۶/۲۳ یکی دیگر از رفقای ما، رفیق بهزاد یوسفی پشمرگه قهرمان چریکهای فدائی خلق ایران در جبهه جنگ با دشمن به شهادت رسیده بوده. باشد که خون سرخ رفقایمان درخت انقلاب را آبیاری کند و جنبش خلق راه پیش رانده.



خون سرخ پشمرگه قهرمان

رفیق رضا بهفر یوچم خونین

چریکهای فدائی خلق ایران را گلگون تر ساخت

در روز ۵۹/۶/۲۳ پشمرگه چریکهای فدائی خلق ایران، رفیق رضا بهفر در رویارویی با ارتش مزدور در کردستان به شهادت رسید. پشمرگه قهرمان رفیق رضا بهفر در طی نبرد با ستون ارتشی که بمنظور سرکوب خلق کرد از زبان به سردشت اعزام شده بود، در اثر اصابت خمپاره به سنگسار، جان خویش را در راه آرمان خود که آزادی خلقهای دلیرو ایران از قید سلطه امپریالیسم و سگهای زنجیری اوست، فدا کرد و با خون سرخ خویش، پرچم خونین چریکهای فدائی خلق ایران را گلگون تر ساخت.

پشمرگه قهرمان، رفیق رضا بهفر در نبردی به شهادت رسید که داوطلبان در آن شرکت جست به بودن نشان دهنده به آرمان طبقه کارگر تا چه اندازه وفادار است. او با عشق بخلق، آگاهانه قدم در راهی گذارد که میدانست در هر گام آن مرگ در کمین است. تمام خویشاوندان و آشنایان رفیقمان

رضا بهفر در زندگی روزمره خود نیز عشق بیگران او را به مردم و کینسه و نفرت او را بدشمنان مردم دیده بودند.

با شهادت پشمرگه چریکهای فدائی خلق ایران رفیق رضا بهفر، چریکهای فدائی خلق ایران یکبار دیگر نشان دادند که تا چه اندازه به مبارزه در راه رهائی خلق ایمان و اعتقاد دارند. شهادت رفیقمان رضا بهفر، ایمان ما را به مبارزات خلقهای سراسر ایران و ایمان ما را به پیوند ناگسستنی مبارزات خلق کرد با سایر خلقهای ایران، برای دستیابی به آزادی نشان داد. در شرایطی که جریان منحط "کسار" میکوشد تا جنبش خلق کرد را همچون مبارزات خلق ترکمن به شکست بکشاند و همچون "حاشا" به شکاف اندازی در میان صفوف متحد خلق کرد پرداخته است تا آنجا که در یوگان خلق کرد با شعار "سازشکارنا بود است" بر علیه آنان توطئه ساختند. شهادت پشمرگه قهرمان رفیق رضا بهفر نشان داد که تنها چریکهای فدائی خلق ایران هستند که ادامه دهندگان راستین راه تمامی رفقای شهید و سازمان چریکهای فدائی خلق ایرانند.



شهادت بی‌شمرکه قهرمان ، رفیق رضاییفر تنها ما را در ادامه دادن راهی که در پیش گرفته ایم -
مصمم تر نموده است و بیش از پیش بی‌بند ما را با خلقهای دلیر میهنمان مستحکم ساخته است .
یادش را گرامی بداریم و راهش را ادامه دهیم .

درود بر بی‌شمرکه جریکهای فدائی خلق ایران رفیق شهید رضاییفر
هر چه برافراشته تر با دیرجم خونین جریکهای فدائی خلق ایران
گرامی باد یاد تمامی شهدای بخون خفته خلق
مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش
با ایمان به پیروزی راهمان
جریکهای فدائی خلق ایران - مازندران
۵۹/۶/۳۵

* * *

در شهادت رفیق ، به ادامه راه سرخش می اندیشیم

روز بیست و سوم شهریور ، بی‌شمرکه جریکهای فدائی خلق ایران - رفیق بهزادیوسفی ، در میدان نبرد
با ارتش مزدور امپریالیستی و پاسداران ارتجاع بشهادت رسیده بی‌شمرکه قهرمان رفیق بهزادیوسفی در رویا
- روئی با ستون ارتشی اعزامی از بانه به سردشت ، در اثر اصابت راکت هلیکوپترهای ارتش مزدور به شهادت
رسیده رفیق بهزادیوسفی فرزندی دلاور خلق کرد در راه خلق خویش و در راه آزادی تمامی خلقهای ایران جان
باخت و بار دیگر بی‌بند عمیق جریکهای فدائی خلق ایران را با خلق قهرمان خویش و عزم راسخ آنان را در میا-
رزه با امپریالیسم و سگهای زنجیریش نشان داده
تا زمانی که تاریخ مبارزات خوتین خلق ایران بتواند سیمای تابناک بهترین فرزندان خلق را - که
با ایمان به پیروزی انقلاب خونبار توده‌های میهنمان سخت ترین مشکلات را بهیچ میگیرند و در دشواریترین
لحظات به پیشبرد اهداف سرخ انقلابی خویش می اندیشند - در دل خود شیت کنند ، بی تردید راه مبارزه سنا
پیروزی کوتاه تر می‌گردد ، زیرا که توده‌ها از اینگونه پیشاهنگان راستین خود از فعالیت‌های انقلابی‌شان
، از فرهنگ مبارزاتی‌شان و خلاصه از تمام حرکات مبارزاتی‌شان درسها میگیرند و این خود به تسریع جریان انقلاب
یاری میرساند . یاد رفیق شهید ، بی‌شمرکه جریکهای فدائی خلق ایران - بهزادیوسفی ، را گرامی میداریم
و راه سرخش را تا آخرین قطره خونی که در بدن داریم ادامه میدهیم .

* * *

جاوید باد یادشان ، پاینده باد رزمشان

روز اول مهرماه سالروز شهادت جریکهای فدائی خلق ، رفقای شهید - جنگیزقبادی ، سیدنوزادی و محمد
- علی سالمی - بوده سالروز شهادت رفقا فرصتی است برای پویندگان راستین مشی انقلابی ، بویژه رفقای
دانش آموز که یکبار دیگر با الهام از اندیشه‌های سرخ آنان بطور فعالانه تر در مبارزات توده‌های میهنمان
شرکت جویند و با مبادرت و رزیدن به حرکات انقلابی در کیفیتی نوین و برتر ، زمینه را برای پیروزی انقلاب
خونین مردم آماده نمایند .

* * *

یادشان را گرامی بداریم و راهشان را ادامه دهیم

بزرگداشت شهیدان یا توطئه بر علیه خالق؟!!

دو سال پیش در صبحدم هفدهم شهریور ماه، یکی از بزرگترین فجایع تاریخ مبارزات خلق ایران بر علیه امپریالیسم و همه پناها و نوکران سرسپرده داخلی، بشکل رویارویی با ارتش مزدور شاهنشاهی بوجود پیوست و خون بیش از سه هزار تن از توده های ستمدیده این آب و خاک، سنگفرش میدان "شهدا" را رنگین ساخت.

جنبه تراژیک و غم انگیز این رویداد آن بود که آن همه فداکاری، آن شور عیاشی و آن شهامت ستایش انگیز خلق در مبارزه برای آزادی را کسانی وجه المصلحه قرار دادند که نه به توده ها بلکه به منافع غیر مردمی و پلید خود و اربابان شان می اندیشیدند و تراژدی بقدرت رسیدن آنان خود در تمام زوایای حیات اجتماعی و جنبش انقلابی خلق ایران نفوذ کرده، تراژدیهای کوچک و بزرگ دیگری آفرید چون "بدلجه"، "قارنا"، "قهلاتان" و.....

دو سال بعد، درست چند روز پیش آقای بنی صدر، این خادم آبزیر گاه امپریالیسم ساز هم جمعیتی را بمنظور ارج گذاری به خون پاک شهیدای هفدهم شهریور در همان میدان گرد آمده بودند و وجه المصلحه قرار داد تا بتوانند با انکاء به آن، در بازی قدرت بین سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که این روزها اوج گرفته است، سهم شیر را نصیب خود سازده بنی صدر در میدان شهدا و حزب جمهوری اسلامی در گورستان بهشت زهرا، خون شهیدای ۱۷ شهریور را با زیچه مطامع خود ساخته و هر یک کوشید تا با فرمت بدست آمده نیروهای مردم را بر علیه دیگری بکار گیرد تا از قدرت بدست آمده سهم بیشتری بسزده اما اگر یکبار در گذشته آن تراژدی توانست سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را به نواشی برساند، اینبار کوشش برای وجه المصلحه قرار دادن مردم آنچنان آنان را بجان هم انداخت که کل نمایش فریبکارانه آنها در روز هفدهم شهریور و روزهای بعد تبدیل به یک کمدی مسخره، مضحک و در عین حال نفرت انگیز شد و در بازی حساب شده ای که این با آن بقدرت خزیده برای بدر کردن حریفان از میدان بحساب انرژی توده ها برآه انداخت، دیگر آنچه کوچکترین جانی نداشت، ارج گذاری به شهیدای جنبش خلق آنگونه که توده ها میخواستند نبود که البته جای تعجبی نداشت چه اینگونه عوام فریبی ها از ماهیت رژیم کمپونی با بهره های سردمدارانش آب می خورد و همان به که اینان شهیدان را هر چه بیشتر فراموش کنند تا شخصیت مبارزاتی شهدا هر چه کمتر با ایما ل ستایشگریهای کاسیکارانه و خائنانه شان شود.

آقای رئیس جمهور که برای منحرف کردن انرژی توده ها در مسیر خواسته های دارودسته خود داد سخن میداد، مطلبی پرانند که نمایش را بیک کمدی در سه پرده تبدیل کرد! بنا بر این ما هم گفتار را از حیثه ای که منعکس کننده جنبه های جدی و مبارزاتی و عظمت تاریخی آن روز خونین باشد خارج میکنیم و برای مرور توطئه چینی های سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در زمینه دیگری سخن را ادامه میدهم.

آقای بنی صدر در قسمتی از سخنانش گفت: "..... بودجه جهاد با اینکه بودجه امسال ما بلحاظ محاصره اقتصادی یک بودجه اضطراری است، یک برابرییم شده است و علاوه بر آن یک بودجه اضطراری ده میلیارد تومانی تصویب کرده ایم و حالا هم میگویم هیچ جهادی در هیچ جای ایران برای پول نباید معطل بماند هر جا که احساس کردید کاری دارید پول ندارید مستقیماً به ریاست جمهوری مراجعه کنید، من متمهه می شوم فوراً بودجه لازم را در اختیار شما بگذارم."

این پرده اول نمایش بوده در اینجا معلوم شد در شرایطی که هر روز زحمتکشان بیشتری را با قطع بخشی از حقوقشان از کار بیکار کرده تحت فشارهای اقتصادی قرار میدهند و شیرازه زندگی شان را از هم میپاشند، برای دادن به "جهاد سازندگی" برای ادامه وظایفش که آماده کردن زمینه های نفوذ بیشتر امپریالیسم و از جماع بویژه در روستاهاست هرگز قطع نمیشود و حتی با بریدن نان توده های زحمتکش، بودجه "اضطراری" برای "جهاد" تصویب میکنند البته بار دیگر تاکید میکنیم این همان "جهاد"ی است که مادر خبرنگار ما هم پیش در باره شاهکار و بی نهایت مطالبی را با گاهی رسانندیم و شما خود میتوانید با اندکی تعمق در اقصا- مات این سازمان و تبلیغات دروغینش نسبت به وظیفه اساسی آن بیشتر کسب آگاهی نمائید و اما رئیس جمهور از طرح این مطلب در سخنرانی خود در ضمن میخواست اینطور القا کند که آن جمعیت و مردم ایران با نقشه ها و اقدامات خائنانه اش در این مورد موافقتند!! (زیرا او آن قسمت از مردم را که در آن جامع شده بودند نماینده ملت ایران نامیده بود)

سعد از آن روز سه شنبه هجدهم شهریور حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی برای ابفای پرده دوم نمایش دریک صاحب رادیو- تلویزیونی شرکت کرد و در قسمتی از سخنانش گفت: "ایشان بسبک خیلی غیر قابل قبول فرمودند که هر وقت جهاد سازندگی خواست بیاید از من پول بگیرد حالا که ما مجلس وقانون داریم ، چطور او از چه حسابی رئیس جمهور میتواند پول بدهد؟ پول با حساب و کتاب داده میشود ، دیگر مثل سابق نیست که ایشان مثل سابق یک چک بکشند و از حساب بردارند "

و اما نقش آفرین پرده سوم آقای رجائی نخست وزیر بود که روز چهارشنبه نوزدهم شهریور ماه در مجلس گفت: یعنی اگر رئیس جمهور از فردا هر کس بعنوان جهاد سازندگی با او مراجعه کند و هر قدر پیسول خواست با و بدهد ، من اعلام میکنم که اتاق رئیس جمهور را صبح به صبح جارو خواهم کرده "

اکنون خلق ایران باید قضاوت کند: بعنوان بزرگداشت روزی چون هفدهم شهریور که یکی از نقاط عطف جنبش خلق بود و روزهای پس از آن ، رجاله ها ، هریک بسبک خویش بیشترمانندترین توهین ها را نسبت به شهیدان آن روز تاریخی روا داشتند آنها که در برخی موارد برای بیشتر منافع ارتجاعی خود ، درسوک یکی از همپالکیهای خود عزای چند روزها اعلام کرده با تبلیغات جهمی خویش در آن چند روز مغز توده ها را میخورند ، در روز شهادت هزاران تن از عزیزان جان برکف انقلاب ، تنها دامنه توطئه ها و زدوبندهای پشت پرده خود را وسیع تر مینمایند و با منحرف کردن انرژی انقلابی بوده ها شیکه با نگیزه آن رویداد تاریخی ، بیش از هر چیز به تعمق درباره سرنوشت انقلاب مینشینند ، زمینه را برای تحکیم سلطه مرگبار ارتجاع آماده میکنند

البته این نمایشنامه نکات آموزنده دیگری هم دارد!! مثلاً آقای رئیس مجلس که چندی پیش شایعاً شی مبنی بر اختلاس مالی او را نزد مردم شده بود و بارها از طرف رئیس جمهور تلویحاً متهم بقانون شکنی شده بود ثابت کرد که هم با خرج بی حساب و کتاب " بیت المال " مخالفت!! زیرا که صریحاً " یادآور شد پول با حساب و کتاب داده میشود و هم اینکه خود سراپا طرفدار تحفه دست پخت امثال خودش یعنی همان قانسون اساسی گذاشتی است چرا که دادن پول را منوط به اجازه مجلس و قانون نمود! پس میتوان این نتیجه را گرفت که آقای رفسنجانی برخلاف شایعه بزرگانی های مخالفین خود ، شدیداً پای بنده قانون است ه اما اگر جناب رئیس مجلس شورای اسلامی تا این اندازه پای بنده قانون است و پرداخت و دریافت هر پولی را تنها در مجرای قانونی آن تا پیدا میکنند پس پرسیدنی است که هنگامیکه سرچما قدر حجت الاسلام غفاری در مجلس بیان میکنند که چکی بمبلغ یکمیلیون تومان از وزیر کشاورزی دریافت کرده بود تا آنرا ما بین دهقانان شمال (بخوانید چماقداران شمال) تقسیم نماید ، چرا آقای رئیس مجلس از او نپرسید که حجت الاسلام غفاری چکاره است که وزیر کشاورزی برای او چکیک میلیون تومانی میکند و ایشان بر طبق چه قانونی این چک را دریافت میکنند و بر طبق چه قانونی آنرا خرج مینمایند؟ در عین حال خود جناب رئیس مجلس هم در ماصبه خود یک خلافی کرده که ممکنست در بعضی ها ایجاد " شبهه نماید "!! که گفته های بعضیها در مورد قانون شکنی ایشان درست است و آن اینکه در خاتمه مصاحبه اش ، پس از آنکه اظهار داشت آقای رئیس جمهور به او همپالکیها پیش اعلان جنگ نموده است بسبکی مودیانه اضافه کرد یک چیزهایی در مورد آقای بنی صدر وجود دارد که اگر " امام " اجازه دهد او آنها را افشا خواهد کرده ولی ما هر جای قانون اساسی را گشتیم ماده ای پیدا نکردیم که بموجب آن افشاکری مقامات جمهوری اسلامی باید با اجازه " امام " باشد!!

یک نتیجه دیگر این نمایشنامه هم اینست: اینکه میگویند نخست وزیر " خشک سر " است و همیشه با شعوبت برفع هم مسلکان خود در حزب فراگیر جمهوری اسلامی موضع گیری مینماید درست نیست! زیرا با آنکه آقای هاشمی رفسنجانی رعایت قانون را برای پرداخت پول به " جهاد سازندگی " لازم شمرد ، آقای رجائی صریحاً " مبلغ قانون شکنی شد و حتی برای تشویق آقای رئیس جمهور با اینکه هر وقت جهاد تقاضای پول کرد ، رئیس جمهور نیز بلافاصله از قدرت شخصیش استفاده کرده به خواسته جهاد رسیدگی نماید جایزه ای هم تعیین نموده که عبارت بود از آب و جارو کردن اتاق آقای بنی صدر!!

مرگ بر فریبکاران و دغلبکاران

رفقای دانش‌آموز:

رژیم جمهوری اسلامی که از عناصر آگاه و ارتباط آنان با توده‌های مردم وحشترده است ، دانشگاهها ، این سنگر همیشه پایرجای آزادی را تعطیل نموده است تا بخیال خود بدینوسیله نیز جلوگیری از مبارزات خلق را بگیرد . رژیم جمهوری اسلامی در عین حال اگر میتواندست مدارس را نیز تعطیل مینمود ، تا مانعی در برابر تجمع دانش‌آموزان ایجاد نکند . اما اینکار ریش از آنکه بِنفع حکومت باشد به ضرر او تمام میشود پس برای سرکوب مدارس شیوه‌های دیگری را در پیش گرفته است . گرفتن تعهد ، اخراج معلمین آگاه و مبارزان ، اشکال - تزاوشی در شب نام برخی از دانش‌آموزان مبارز و و تبلیغات کرکننده‌ای که در همین چند روز آخر شهریور ماه از طریق رادیو و تلویزیون ، روزی نامه‌های حکومتی و نمازهای جمعه و سخنرانی‌های گردانندگان حکومت صورت میگیرد عمق توطئه حکومت را بر علیه جنبش دانش‌آموزی نشان میدهد .

در چنین شرایطی ، وظایف سنگینی بر دوش جنبش دانش‌آموزی قرار گرفته است . مقابله با توطئه‌های حکومت ، بعهده گرفتن برخی از وظایف دانشجویی که بدلیل تعطیل دانشگاهها بعهده دانش‌آموزان است و مستحکم تر ساختن پیوند مبارزات دانش‌آموزان با مبارزات توده‌ها همگی وظایفی است که در مقابل رفقای دانش‌آموز ما قرار دارد .
رفقای دانش‌آموز:

با پیگیری رهنمودهایی که در " پیام جریکهای فدائی خلق ایران به رفقای دانش‌آموز به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۰ - ۵۹" آمده است فعالانه در مبارزات دانش‌آموزان شرکت کنید . مبارزات دانش‌آموزان جزئی جدایی ناپذیر از مبارزات خلق است و گسترش مبارزات دانش‌آموزی ، مستقیماً " در مبارزات خلق برای دستیابی به خواستهای انقلابی موثر است .
رفقای دانش‌آموز:

با پیوستن به صفوف جنبش دانش‌آموزی ۱۹ بهمن گام موشری در متحد ساختن دانش‌آموزان سراسر ایران بردارید .

رفقای جنبش دانش‌آموزی ۱۹ بهمن

با فعالیت هر چه پیگیر تر در جنبش دانش‌آموزی ۱۹ بهمن ، صفوف جنبش دانش‌آموزی ۱۹ بهمن را برای انجام وظایف انقلابی مستحکمتر سازید .



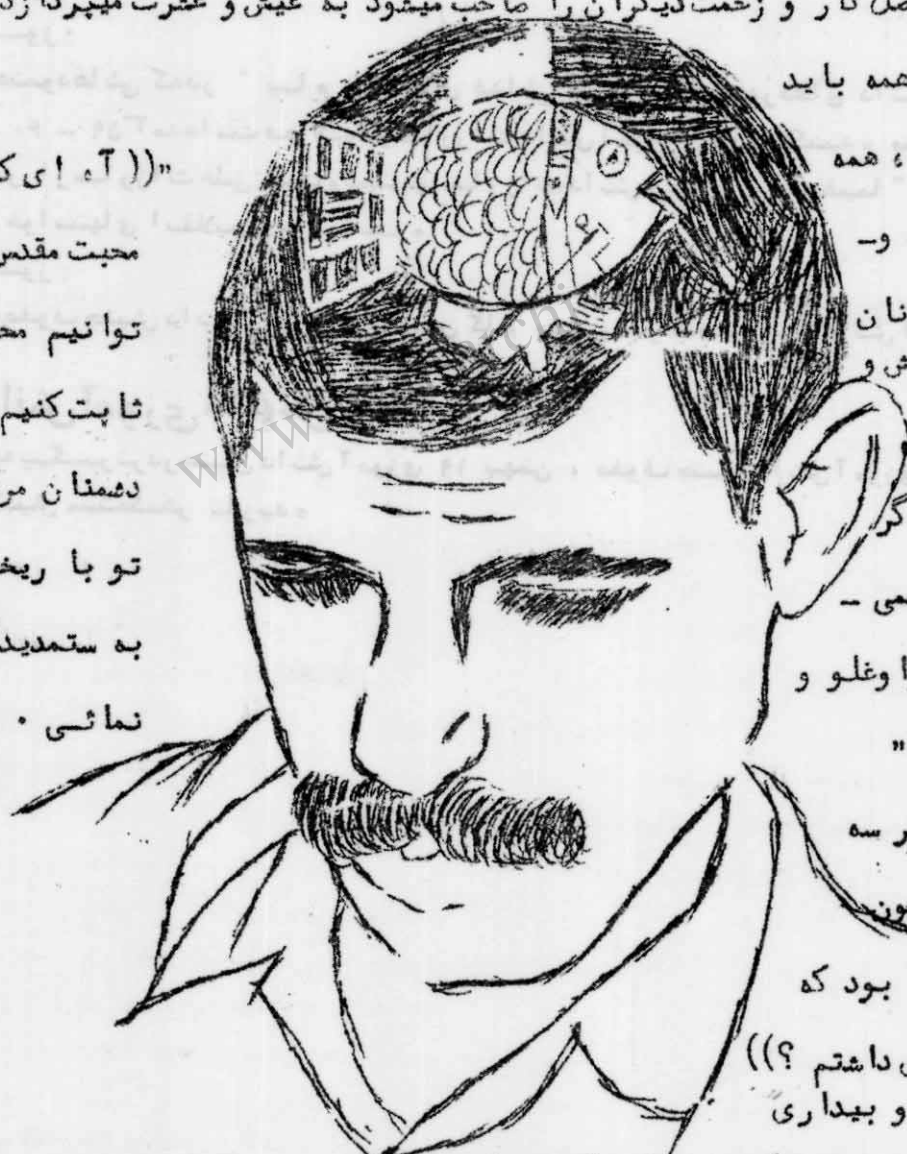
درود به رشاگه - ودان راستی - ن صده - د به - رنگ - ی

بمناسبت آغاز سال تحصیلی لازم دیدیم که بار دیگر یادی بکنیم از رفیق و معلممان ، صمد ، بهمین منظور اعلامیه‌ای را که رفقای هوادار چریکهای فدائی خلق ایران - فارس بمناسبت سالگرد شهادت رفیق صمد منتشر کرده‌اند ، در اینجا درج میکنیم .

سالگرد شهادت معلم راستین خلق صمد بهرنگی گرامی باد

((قیام کورا و غلونه بخاطر غارت و چپاول مغز است و نه بخاطر شهرت - شخصی و جاه طلبی یا رسیدن به حکمرانی . او تنها به خاطر خلق و آزادی پاس و شرافت انسانی - می جنگد ، و افتخار میکند که پرورده کوهستان وطن خویش است آن کس که کار میکند حق زندگی دارد و آنکس که حاصل کار و زحمت دیگران را صاحب میشود به عیش و عشرت میپردازد ، باید نابود شود . . . اگر نان هست ، همه باید

((آه ای کینه ، تو هم مانند محبت مقدس هستی ! ما نمی توانیم محبت خود را ب مردم ثابت کنیم مگر اینکه به دشمنان مردم کینه بورزیم . تو با ریختن خون ظالم ، به ستمدیدگان محبت می - نمایی .)) "عروسک سخنگو ص ۴۵"



بخورند و اگر نیست ، همه باید گرسنه بمانند و - همه باید بکوشند تا نان بدست آید ما اگر آسایش و خوشبختی هست ، برای همه باید باشد و اگر نیست برای هیچکس نمی - تواند باشد)) "کورا و غلونه کچل حمزه صفحه ۱۰ " دلم میخواست مغز هر سه اعیان زاده را داغون کنم . آیا تقصیر آنها بود که من زندگی این جوری داشتم ؟ ((" ۲۴ ساعت در خواب و بیداری

من میخواهم ماهی خوار را بکشم و ماهی ها را آسود کنم ، اما قبلاً باید تو را بیرون بفرستم که رسوایی بار نیآوری

هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - فارس

به این نیروهای ضد خلقی موثر بوده قضیه از این قرار است که در اوایل سال ۵۸ یکی از تکاوران در شهر به شرارت و ایجاد مزاحمت برای دختران پرداخت و مردم شهر نیز او را بسزای اعمالش رساندند (او را کشتند) و بعد از این واقعه تکاوران مسلحانه به شهر یورش بردند و شیشه های چند مغازه را شکسته، بنای فحاشی به مردم را گذاشتند و عده ای از افراد بومی را مسورد ضرب و جرح قرار دادند که در این رابطه چند نفر زخمی شدند بعد از آن رابطه بین مردم و ارتش بخصوص تکاوران مز دورتیره تر شد و این اجیرشدگان با بیشر می کامل بسا مردم برخورد می نمودند و همانطور که گفتیم شاید همین موضوع باعث شد سپاه پاسداران برای سرکوب مردم از آنها یاری بطلبد.

تهران: روز سه شنبه ۵۹/۶/۱۸ کارگران کارخانه آدامس سازی واقع در خیابان آزادی بالاتر از چهار راه خوش مقابل کارخانه، اجتماع کردند تا نسبت به تصمیمات مدیر عامل کارخانه اعتراض کنند. بموجب تصمیمات آقای مدیر عامل که از سوی " بنیاد مستضعفان " بسمت خویش در کارخانه منصوب گشته است ۱۵۰ نفر از کارگران که عده زیادی از آنان را کارگران مبارز و انقلابی تشکیل میدهند مشمول " پاکسازی " میباشند. قبلاً کارگران که خود خواستار پاکسازی واقعی کارخانه از افراد ضد کارگر و عوامل ارتجاع بودند بمنظور دستیابی بیک توافق در مورد کسانی که باید اخراج گردند با مدیر عامل به گفتگو نشسته بودند ولی از این گفتگو نتیجه ای حاصل نشده.

پس از جلسه گفتگوی فوق الذکر که در روز یکشنبه ۵۹/۶/۱۶ برگزار شد، صبح روز سه شنبه ۵۹/۶/۱۸ کارگران هنگامیکه به کارخانه مراجعه کردند، خود را با درهای لاک و مهر شده کارخانه و پاسداران اسلحه بدست روبرو دیدند و چون صدای اعتراضشان بلند شد، پاسداران مزدور و نفرات آنان را دستگیر و بزور سوار ماشین کرده با خود بردند.

سایر کارگران به اجتماع در برابر کارخانه و صحبت با یکدیگر ادامه دادند. کارگران معتقد بودند که در هرگونه اقدام و ارجاع بمقامات و ادارات دولتی برای تصمیم گیری در مورد وضع کارگران، آنها باید خود حتماً حضور داشته باشند.

بوشهر: در اوائل شهریور ماه کارگران یکی از کارخانجات بوشهر، یکسری از خواسته های خود را مطرح کرده، خواهان رسیدگی مسئولین به وضع نابسامان مادی کارگران و برآوردن خواسته هایشان شدند. مسئولین همچنان نسبت به کارگران که بار فشارهای مختلف ناشی از گرانی، مایحتاج اولیه، مسکن و سایر ضروریات و همچنین فشارهای محیط کار و ... هر روز بیشتر از پیش آنان را در مضیقه قرار میدهند، بی تفاوت ماندند و از اینرو کارگران تصمیم گرفتند دست به تحمّل دراز مدت برای رسیدن به خواسته هایشان بزنند و وقتی این تصمیم را اجرا گذاشتند، کارگران مبارز شرکت نفت - بارو بندر - نیز همبستگی خود را با آنان اعلام داشتند.

این اعتصابات و افشاگری نیروهای انقلابی و مبارز، بسرعت فضای شهر را سیاسی و چنان عرصه را بر ارتجاع تنگ کرد که مزدوران را برای سرکوب شدیدتر مردم بسیج نمود و آنها را برای با اصطلاح خاموش کردن نیروهای مبارز و مردمی که بطرق مختلف از حرکات حق طلبانه کارگران پشتیبانی میکردند اعزام داشت. این دسته از مزدوران که تعدادشان در سطح شهر بین ۲۰ الی ۴۰ نفر است تحت حمایت " سپاه پاسداران " اقدامات ایذائی خود را در شهر آغاز نمود. دنده در جریانات بعدی، وقتی که این عده قصد تفتیش کیف یک نفر از اهالی شهر را داشتند، با مقاومت مردم روبرو شدند و نتوانستند به هدف خود دست یابند، مردم خشمگین آنها را هوک کردند.

مزدوران وقتی دیدند حتی با یاری همپالکیهای پاسدار خویش نیز قادر به مهار کردن خشم مردم نیستند، " کماندوها " را بکمک طلبیدند و همه با هم دستجمعی بجان مردم بخصوص نیروهای فعال انقلابی و مبارز افتادند و در حدود ۴۰ الی ۵۰ نفر را زخمی و عده ای را دستگیر کردند. *****

درجایشه وقایع بوشهر: پاسداران از رابطه کینه توزانه تکاوران مزدور و ارتش شاهنشاهی که هم چنان به " خدمت " در ارتش ضد خلقی مشغولند، نسبت به مردم خبر داشتند، شاید به همین جهت آنها را بکمک طلبیدند. نه تنها ما هیت تکاوران بعنوان افراد ارتش شاهنشاهی، بلکه واقعه دیگری که چند ماه پس از قیام بهمن ماه روی داده بود نیز در افزایش کینه مردم نسبت

مرگ بر امیرالایم و سگهای زنجیریش

دروغ: عده‌ای از کارگران مبارز صنایع نظامی رودازکاربرکنشارشدند و مسئولین برای آنکسبشخصیت انقلابی آنان را خدشه دار کرده و برای آنکه در برابر اعتراضات بعدی کارگران اخراجی و هم‌زنجیران شاغلبشان بهانه‌ای داشته باشند دوتن از عناصر معلوم - الحالی را نیز که در صنایع نظامی کار میکردند بیه همراه آنان اخراج نمودند. اخراج این عده بوسیله " هیئت تصفیه " که از سوی " شورای انقلاب " اعزام شده بود و با همکاری " انجمن اسلامی صنایع نظامی " صورت گرفت.

صومعه سرای: روستای گاوکسده (اسلام آباد) روستای گاوکسده در ۱۵ کیلومتری شهرستان صومعه سرا قرار دارد. روستائیان آزاده گاوکسده دارای تجربه مبارزاتی هستند. در دوره حکومت شاه، یکی از برادران او قصد آن کرد که زمین روستائیان را غصب کرده و با غرس درخت در این زمینها، آنرا در اختیار شرکت چوکا قرار دهد تا بیش از پیش خلق ما را بجا بپندد. مقاومت دلیرانه روستائیان گاوکسده غارتگران را در اجرای این طرح ناکام ساخت و آنانرا وادار بعقب نشینی نمود.

پس از قیام قهرمانانه خلق نیز روستائیان گاوکسده بمبارزات خود ادامه دادند. آنان با آماده زمینهای که در دست زمینداران و وزارت منابع طبیعی قرار داشت به گوشه‌ای از حقوق خود دست یافته و با تقسیم عادلانه زمین، مابین خود به کشت بر روی این زمینها پرداختند.

روحیه مبارزاتی روستائیان گاوکسده و سطح آگاهی آنان، کارگزاران رژیم جمهوری اسلامی را به وحشت انداخت و آنانرا بفکر انداخت تا طبق معمول، با نشان دادن قدرت و ایجاد رعب و وحشت در میان روستائیان و تحت فشار قرار دادن نیروهای مترقی جلوی رشد مبارزات و آگاهی روستائیان گاوکسده را سد سازند. واقعه‌ای که اخیراً در روستای گاوکسده اتفاق افتاد نشان دهنده وحشت حکومت از روستائیان گاوکسده است.

مردم این روستا هر ساله مبارزات به کشت و هندوانه می‌نمایند و برای جلوگیری از صدمتات حیوانات وحشی‌ای مانند خوک به مزارع هندوانه زمین را محصور می‌نمایند و به نگاهبانی از زمین می‌پردازند و برای اقامت نگاهبانان، آلونکی در زمین احداث میکنند. نگاهبانی از زمین معمولاً به عهده فرزندان جوان روستائیان است که غالباً آنان نیز دانش آموزشی هستند که بدلیل نداشتن امکان

تحصیل در روستا بشهر رفته و در سه ماه تابستان به نزد خانواده خود در روستا می‌آیند و در کار زراعت به آنان کمک میکنند. آلونک‌های داخل باغها، محل استراحت و خواب این فرزندان زحمتکش روستاست که به کار نگاهبانی از زمین مشغولند. در عین حال زمان استراحت فرصت مناسبی است که اینان را جمیع مسائل جامعه به بحث بیا یکدیگر پرداخته و سطح آگاهی خود را افزایش دهند. طبیعی است که فرزندان زحمتکش روستا به مسائل جامعه خود که ارتباط مستقیمی با زندگی خانوادها آنها دارد توجه زیادی نشان دهند و برای یافتن درستترین راه برای آزادی زحمتکش از قید غارت و استثمار و حشیانه غارتگران به گفتگو و بحث با یکدیگر بپردازند.

اخیراً نیز در یکی از آلونک‌ها در همین زمینه‌ها بحثی در گرفته بود که عناصر مزدور خرجین جریان را به اطلاع پاسداران رساندند. پاسداران نیز که دشمن آگاهی زحمتکشانند در تاریخ ۲۰/۵/۵۹ در ساعت یک بعد از نیمه شب حمله خود را به روستا آغاز کرده و به آلونک - ها حمله بردند. تعداد پاسداران چهار نفر بود که همگی نیز مسلح بودند. پاسداران که میدانستند بیان علت واقعی حمله‌شان تا چه اندازه آنان را رسوا می‌سازد به این بهانه مسخره متوسل شدند که " در این آلونکها بساط قمار دایر میشود " و آنها را بتدابیر آلونکی حمله برده و تمامی محتویات آنرا که عبارت از یک دست رختخواب و یک حصیر کهنه بوده بیرون ریخته و شروع به با زرسی نمودند و چون چیزی نیافتند به کلبه‌ای دیگر حمله برده و چهار نفر از جوانانی را که در کلبه نشسته بودند محاصره کردند و در اینجا نیز پس از با زرسی چیزی نیافتند. پاسداران سپس بعلمت تری از خم روستائیان بداخل باغها دویدند تا بگیرزند اما از قضا روزگاریکی از آنان بداخل چاهی که در باغ قرار داشت افتاده پاسداران دیگر و قیحانه از جوانان تقاضای کمک میکنند و از آنان می‌خواهند تا چراغی در اختیارشان بگذارند تا همپا لگیشان را از درون چاه بیرون آورند، کسه جوانان از دادن هرگونه کمکی به آنها امتناع میکنند. بالاخره پاسدار سر بهوا یکم سه پاسدار دیگر از چاه بیرون آمد و غیر از سقوط در چاه نتیجه دیگری که عا یسد پاسداران شد، از دیانت فروانز جا روستائیان نسبت به پاسداران " انقلاب " بوده چرا که روستائیان گاو- کده بعد از اطلاع از این جریان تصمیم گرفته‌اند که در صورت تکرار یورش پاسداران به مقابله با آنان برخیزند.

گزارشی از گلوگاه

بی نمک!

در حاشیه تحصن دیپلمه‌های بیکار در گلوگاه

۱- متحصنین پس از تسلیم یک درخواست نامه به رئیس آموزش و پرورش، تحصن را موقتاً "شکسته و ادامه آنرا به بعد موکول کردند.

۲- در نوبت بعدی (روز سه‌شنبه ۵۹/۶/۱۸) دیگر تحصن را پی‌نگرفتند و بآن خاتمه دادند.

۳- روز جمعه ۵۹/۶/۲۱ اعلامیه‌ای با مضای "کا-نون فارغ التحصیلان دیپلمه‌های بیکار گلوگاه و حومه" منتشر شد که ذکر توضیحی برای تهیه‌کنندگان آن بحالست. تهیه‌کنندگان در قسمتی از اعلامیه خود از همشهریان گلوگاهی پرسیده بودند:

۱- آیا افراد متاهل و یا مجردی که تا ۵ الی ۶ سال قبل دیپلم گرفته‌اند و هنوز بیکارند برای استخدام حق تقدم دارند یا افرادی که تازه امسال دیپلم گرفته و هنوز از گدراهِ نرسیده‌اند؟

البته ممکن است بر حسب اتفاق در گلوگاه در حال حاضر تمام کسانی که تازه فارغ التحصیل شده و سپس با دست اندر کاری مقامات جمهوری اسلامی به استخدام آموزش و پرورش درآمده‌اند از همان قماش عوامل معلوم - الحالی که ذکرشان رفت باشند، ولی بطور کلی هیچ‌گاه میزان گذشت زمان و طول مدت بیکاری پس از اتمام تحصیل نمیتواند معیار درستی برای حق تقدم در استخدام باشد و یقیناً است تهیه‌کنندگان اعلامیه نیز که بطور قطع سهواً این سؤال را کرده‌اند وضعیت طبقاتی شخص بیکار را ملاک حق تقدم قرار می‌دهند و از آنجا شیکه با این دیدگاه دامنه موضوع دستکم به حدود چند ده هزار فارغ التحصیل بیکار گسترش می‌یابد، بنا بر این هر کس که تنها بخشد نیاندیشده، بلکه مردم و فرزندان جویای کار زحمت‌کشان را نیز که برای امرار معاش از بام تا شام بدنیا کار می‌دهند نظر دارد، شیوه‌های اعتراضی و مبارزاتی عالیتری را برای زنده کردن حقوق پامال شده خود و دیگران بکار می‌گیرد و با پیگیری مسئولانه خویش، احتمال هر چه بیشتر پیروزی امروز و پیروزی قطعی فردا را تضمین می‌کند.

همانطور که در خبرنامه شماره ۳۳ نوشتیم، حاکمیت کنونی از طریق مزدوران خود، بویژه آنها - شیکه در حزب جمهوری اسلامی گردآمده‌اند به دستچین کردن عده‌ای از عناصر معلوم الحال موافق با سیاست‌های ارتجاعی رژیم پرداخته است تا آنها را بعنوان معلم راهی کلاسهای درس گلوگاه و حومه نماید. سوساس حاکمیت برای برکنار کردن معلمان مبارز و انقلابی بحدی است که حاضر است در صورت ته کشیدن عوامل دستچین شده، عده‌ای از افراد "سربراه" و "بی‌خط" و بی‌اعتنا به مسائل سیاسی را بجای معلمان انقلابی و مبارز بکار گمارد! ولی همانطور که دیدیم فارغ التحصیلان گلوگاه با پشتیبانی مردم توانستند جلوی اجرای برنامه‌های ارتجاع را در این مورد بگیرند.

طبق اطلاعات واصله دیپلمه‌های بیکار گلوگاه بدنیا اعتراضاتی که گزارش آن در همان خبرنامه درج شد روز سه‌شنبه ۵۹/۶/۱۵ مجدداً در حیطه آموزش و پرورش گلوگاه متحصن و خواستار حضور آقای "فیروز جانیان" رئیس اداره آموزش و پرورش بیکار را برای توضیح شدند، زیرا عصر روز چهارشنبه ۵۹/۶/۱۲ اعلامیه‌ای بر روی درمقر "سپاه پاسداران" نصب و در آن اسامی ۷۵ نفر بعنوان قبول شدگان امتحان کزینش معلم قید شده بود!

رئیس اداره آموزش و پرورش سرانجام در برابر متحصنین قرار گرفت و پس از مدتی این دروآن در زدن اعلام کرد که موضوع ربطی به او ندارد و خواستاران استخدام در آموزش و پرورش که به لیست ۷۵ نفری اعتراض دارند بدنیا بدیهمان نهادی که اسامی را اعلام کرده است، یعنی به "سپاه پاسداران" رجوع کنند!! در دنیا له صحبتش نیز رسیدگی بموضوع را در حیطه مسئولیت بخشداری و سپس فرمانداری بهشهر دانست و متحصنین را به آنجا حواله داد.

اما چند روز بعد از سوی "سپاه پاسداران" گلوگاه اعلامیه‌ای بتاریخ ۵۹/۶/۲۲ پخش شد که در آن استخدام دیپلمه‌های بیکار را صریحاً "وظیفه آموزش و پرورش دانسته و دخالت خود را در انتخاب لیست ۷۵ نفری - ی کا ملا" تکذیب کرده بود.

تردید نیست که هم‌ا‌ده آموزش و پرورش و هم سپاه پاسداران که هر کدام مسئولیت را بگردن دیگری میان‌دازد، هر دو محق‌اند!! زیرا که هر دو آنها "نهادهای انقلابی" میباشند (!!؟) ولی ما توصیه می‌کنیم بالاخره یکی از آنها کوتاه بیاید و تنظیم عملیاتی را که باید برای مردم پخش شوند یکسره ب دیگری بسپارد چرا که وقتی آشپزده و تاشد، آش یا شور میشود یا

در جستجوی علت واقعی بیکاری باشیم تا بتوانیم در مورد آن موضع انقلابی اتخاذ کنیم

های مثبت و مبارزاتی یک حرکت دستجمعی که اگر امکان جهت دادن بدان برطبق رهنمودهای انقلابی وجود داشته باشد، بی تردید روح فعالیت انقلابی افراد شرکت کننده در آن حرکت را وسیعاً پرورش خواهد داد، نمی باشد از اینرو اگر ما از عدتی پیش بدینسو در اخباری مشابه باخبر فوق، رابطه بین مبارزات یک بخش از مردم را با جنبش سراسری توده های سراسر میهنمان، موبموتشریح نمی کنیم، این بدلیل آنستکه اکنون دیگر نقطه نظرهای مادر باره مسائل مبارزاتی خلق ایران برای مردم آنقدر شناخته شده است که بتوان برای رعایت اختصار از انجام اینکار در خبرنامه صرف نظر کرده

چند خبر از درود

۱- مبارزات کارگران بیکار درود که روحیه انقلابی مردم را تقویت نمود آنچه انرجاع را بهراس افکنده که برای افزودن بر شدت اقدامات سرکوبگرانه خود اقدام به تشکیل باندهای ازاراذل و اوپاش و سرسپردگان ارتجاع نموده افراد این باندها کارت های رسمی فعالیت میکنند بیشتر وظیفه حمله به کتابفروشی ها، آتش زدن کتب و جاسوسی و خیرچینی برای دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی را بعهده دارند و بنام " مخبر " معروفند

روز سه شنبه ۵۹/۶/۱۱ یکی از افراد این باندها تحت حمایت پاسداران مزدور از دیوار خانه یکی از جوانان شهر بالا رفت تا ببینند در خانه چه خبر است! این عمل بیشتر مانده نشانگر اوج وحشت ارتجاع و نقض حسی ابتدائی ترین حقوق، حتی در جوامع بورژوازیستی است و تنها رژیمهای از قماش رژیم جمهوری اسلامی ممکنست اجیرشدگان خویش را با بنکار وادارنده

افراد خانه متوجه دیدزدن دزدکی " مخبر " شدند و از خانه بیرون آمده بقصد تنبیه آن مزدوروی را بباد کتک گرفتند در این بین پاسداران مزدور سر رسیدند و جالب آنکه در ادامه جریان بجای مزاحم کشیف فوق الذکر، یکی از افراد خانه با زداشت و به زندان برو - جود منتقل شد!!

*** **

توب، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد

۲- در روز ۱۷ شهریور اعلامیه ای از سوی پاسداران در سطح شهر پخش شده مزدوران ارتجاع در این اعلامیه بویندگان مشی انقلابی را تهدید کردند که اگر بار دیگر دست به پخش اعلامیه بزنند یا به بیان دیگر، اگر با زهم به آگاه کردن خلق و فراهم آوردن زمینه برای گسترش مبارزه مردم بر علیه سلطه شوم ارتجاع ادا مدهند، آنان را برگرا خواهند بست!! اگر بناسا

همدان: فارغ التحصیلان بیکار همدان که مانند سایر فارغ التحصیلان در سراسر ایران مدتهای مدیدی کار نبودند و از سوئی هر چه بیشتر میگذشت، وابستگی رژیم جمهوری اسلامی را که خود بخود مانع عمده حسل مسئله بیکاری است، بطور عمیقتری، در سیاستها و در برنامه ها و اقدامات و..... آن می دیدند تصمیم گرفتند برای دستیابی به حقوق خود دست بمبارزه بزنند و به همین منظور در زمان استاندار سابق (حائری) حرکات اعتراضی جمعی خود را آغاز کردند استاندار سرانجام برای فرو خواباندن موج اعتراضات فارغ التحصیلان، در پاسخ آنها طرحی را تصویب رساند که به موجب آن امکان استخدام این افراد بعنوان " روستا - یار " فراهم میشود

مدتی بعد استاندار جدید همدان بر سر کار آمد و همزمان با شروع کار اداری وی، طرح مزبور ملغی شده البته آقای استاندار برای توجیه اقدام خود در برابر دیپلمه های معترض، دلیل الغای طرح را عدم حضور " روستایاران " بر سر کارشان عنوان نمود دیپلمه های بیکار هم برای اعتراض به الغای طرح در تاریخ ۵۹/۶/۱ مجدداً در استانداری گسرد آمدند و خواهان رسیدگی بوضع خود شدند این تحصن بدخلالت عوامل ارتجاع و پاسداران مزدور انجام مید و از جمع ۳۰۰ نفری متحصنین، ۲۸ نفر دستگیر و بیهوده دادگاه انقلاب اسلامی " همدان برده شدند

بدنیال این رویدادها خانواده های افسراد دستگیر شده همراه با سایر دیپلمه های بیکار و گروهی دیگر از مردم همدان در مقابل " دادگاه انقلاب " اجتماع کرده خواهان آزادی دستگیرشدگان گشتند مردم که دستگیری دیپلمه های خواهان کار از جانب رژیم جمهوری اسلامی برایشان به چوچه قابل قبول نبود تصمیم گرفتند به درون مقر " دادگاه انقلاب " یورش برده، زندانیان خود را آزاد سازند که با تیر - اندازی هوایی پاسداران ارتجاع مواجه شدند

همچنین عوامل ارتجاع در حالی که عده ای از مردم ناآگاه را نیز بسیج کرده بودند تا بعنوان سپاهیی لشکرآنان را همراهی کرده، پوششی بر اقدامات بی - شرمانه شان باشند، به اجتماع مقابل " دادگاه انقلاب " یورش برده عده ای را مضروب و با همکاری پاسداران ۶ یا ۷ نفر دیگر را دستگیر نمودند

از دستگیرشدگان قبلی بین ۱۲ تا ۱۴ نفرشان طی ۲۴ ساعت بعد از دستگیری آزاد شدند

در اینکه طرح یک رشته خواسته ها از سوی جمعی از فارغ التحصیلان بیکار برای احراز شغل و مبارزه برای دستیابی بدانها بمعنی حل قطعی مشکل بیکساری نمیتواند، تردیدی نیست، منتها این امر نا فای جنید -

امپریالیسم و ارتجاع با همه جیره خواران داخلی نشان نماید .

تهران: این روزها همه جا صحبت از مشکلات و فشار زندگی است . گزارش زیر هم که توسط یک رفیق هوا - دار تهیه شده ، نمونه برخورد هایی است که هر روز در میان مردم روی میدهد و دارای نکات آموزنده ای در باره چگونگی برخورد توده ها می باشد .

*** **

سوارا تویوس (تخت جمشید سابق) شدم . خانمی وسط راه سوار شده . یک بلیط ۵ زاری داده . بنظر می - رسد از لحاظ مالی وضع چندان مساعدی ندارد . راننده گفت : خانم ، یک تومنی هست ، یکی دستگیر کرده .

زن : آقا من و سعم از این بیشتر نمی رسد ، بیشتر هم نمی دم .
راننده : خانم بمن گفتند بگیر ، منم میگیرم ، باید بدی .

زن : سال بسال ، در بیخ زیار سال ، آخه با با پول چی بدم ، پول زور ؟ اون موقع اون حروم زاده اتو - بوسهار و لا اقل رنگ میبرد ، گرون میکرد ، حالا چی ... چیه ؟ از اون گردن کلفت ترن یا چماقشون بزرگتره ؟
راننده : خانم اگه شما ندید ، من ندیدم چطور می - تونیم بیت المال مملکت رو از زیر بار قرض نجات بدیم ؟ و از شر آمریکا خلاص شیم ؟ همین پولای من و تو - این مملکت را می گردونه .

زن : آقا جان این مملکت واسه من و تو نمیگردد ، واسه ما که هیشکا رنگردن ، جز اینکه ما هر روز گدا تر میشویم ، آره قریون ، من و تو رو خر میکنن ، چرا فقط من و تو باید گرونی رو تحمل کنیم ؟ واسه اون گسردن - کلفت ها چی شده ؟ نه داداش ، خربزه رو اونامیخورن ، ما باید سردیشو بکشیم . هر روز یک با مبول تازه ، هر روز یک ادای تازه .

پسری از سوی اتویوس گفت : چرا باید واسه ما گرون بشه ، مگه پولمون زیاد شده ؟
راننده گفت : املا " میدونین چیه ، شما ها ضا نقلای - بید ، نمی خواهید مملکت درست بشه ، شما بسا ۵ زار اضافی گدانمی شین .

زن گفت : آخه با قبول ، اگه درست بشه بعله . من که جونم بلیم رسیده ، هروقت حرف میزنم میگن ضا انقلاب ، آره یا با من ضا انقلابم ، بکین خلخالسی بیاد جونموا از این زندگی سکی بگیره .
پیرمردی از مسافران گفت : آره بخدا ، من میرم خونه با خجالت . آخه امروز کار نکردم . چقدر چشم تو چشم اون بچه ها بیفته بکم ندارم ؟ آخه هیچکس بسدرد

بود سر کوبیا و شکنجه ها و قتل عام ها مانع از آنجسام و ظایف انقلابی مردم بویژه فرزندان راستین خلیق گردد ، پس حتما " امپریالیسم و ارتجاع تا بحال مدها با رتوده های انقلابی و مبارزان آزاد ادا مه مبارزه منصرف کرده بودند ! و اگر با این شیوه میشد که جلومبارزان را سد نمود قطعا " محمدرضا شاه در اینکا ر موفقتر از جمهوری اسلامی و ساواک موفقتر از سپاه پاسداران بوده . در حالی که هم اکنون این تجربه دیگر برای مردم ما مسلم شده است که اگر شکلی از مبارزه بدلیل گوناگون کارآیی لازم را نداشت ، باید ضمن ارزیابی دائمی موقعیت برای دست زدن بدان در حد ضروری ، بیشتر یا شکل دیگری ، مبارزه را ادامه داد و دست کشیدن مردم از مبارزه آرزوئی است که امپریالیسم و ارتجاع آنرا به گور خواهند سرد !

*** **

۳۳ - روز سه شنبه ۱۸ شهریور ماه پاسداران مز - دور به ساط کتابفروشی نیروهای انقلابی و سیاسی بیورش برده ، کتابها را جمع کردند و با خود بردند و در پاسخ اعتراضات فروشندگان گفتند که بیایید " سپاه " کتابها بنان را پس بگیرد .
یکی از فروشندگان که از وضع مالی متناهی بی - خوردار نیست همراه با شخصی دیگر برای تحویل گرفتن کتابها به " سپاه " مراجعه کردند و در آنجا بوسیله پاسداران بازداشت شدند که طبق اطلاعات واسله بعدا به بیروجرد انتقال یافتند و در آنجا زندانی شدند .

*** **

هوا س از نهجای از فرهنگ انقلابی

۳۴ - مدیرکل استان لرستان ، آموزش و پرورش شهرستان درود را منحل و کادرداری و آموزشی این اداره را نیز تا اطلاع ثانوی مشمول همین تصمیم اعلام کرده است !
طبق تصمیم مقامات رژیم جمهوری اسلامی ، بازگشایی این اداره و شروع بکار مجدد آن عده از افراد استخدام شده که لا اقل در این مقطع مورد تصفیه ارتجاع قرار نگیرند ، موکول به بعد از " پاکسازی " آموزش و پرورش درود خواهد بود .

علت اینک مقامات رژیم ارتجاعی ، آموزش و پرورش درود را یکباره منحل اعلام کرده اند ، حمایتی است که دانش آموزان و معلمان انقلابی و مبارزان شهر از مبارزات حق طلبانه کارگران بیکار درود بعمل آورده اند . با معیروزی که از یکبارگی شاگردان راستین معذبهرنگی و معلمان بویبند راه صمد با کارگران و سایر زحمتکشان میهن مان ، وحدت مبارزاتی خلیق آنچنان مستحکم گردید که نه تنها خارج چشم ارتجاع باشد . بلکه نتایج عملی و مستقیم آن ایران را گورستان

وحشت نمایندگان "منتخب مردم" !! از مردم (!؟)

عده زیادی از هم میهنان ما سخنان آیت الله منتظری را از طریق تلویزیون شنیده اند که میگفت نباید همه حرفها را برای مردم زد!

حال گوش کنید ببینید محمدعلی رجائی نخست وزیر در جلسه علنی روز سه شنبه ۱۸ شهریور ماه مجلس چه گفته است: "..... اینکه شما از پشت این تریبون بگوئید رجائی ساواکی است و بعداً من ثابت کنم ایسین دلیلی را که شما برای ساواکی بودن من آورده اید اشتباه بوده و شما عذرخواهی کنید، این مطلب را در یک جلسه غیر علنی بگوئید، اگر دلائل مراقبول داشتید که حرفتان را پس خواهید گرفت " (تاکید از ماست) در اینجا مسئله بر سر ساواکی بودن یا نبودن آقای رجائی نیست بلکه بر سر طرح یک مطلب در جلسه غیر علنی است، همان جلسات غیر علنی ای که طبق قانون اساسی دستبخت خودشان نیز غیر قانونی است. اینجا آقای رجائی نیز صراحتاً توضیح میدهد که باید قبل از طرح یک موضوع برای مردم، خودتکیه زبندگان بقدرت درباره آن به توافق برسند و بعداً گریبان آن، هویت واقعی هیچیک از صاحب منصبان و پیوسیدگی رژیم جمهوری اسلامی را افشاء نمیکرد، آنرا بسمع عام مردم برسانند!

اکنون توجه شما را به قسمتی از سخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی که در مصاحبه رادیو-تلویزیونیش درباره بنی صدر بر زبان آورد جلب میکنیم: "..... شاید ایشان این را یک صفت خوب بدانند و بگویند که قوه ای است در یک شخص آزاده که در بعضی موارد اظهار کند که من با رهبر مخالفم خوب، این هزار تفسیر می شود، شما در چرخه مخالف هستید؟ خوب است که روشن کنیم. عده که بر فکر شما و عقل شما حساب میکنند، میگویند که معلوم میشود که ما نقاط ضعفی داریم یا اینکه شما نقطه ضعف دارید. چه لزومی دارد که شما این مسائل را در آنجا بگوئید و انتقاد اصلی من این است که جلسه ۱۷ شهریور، آن نقطه مهم عطف تاریخ در کشور ما، جای این نبود که ما به این مسائل بپردازیم " (تأکید از ماست)

پس معلوم میشود آقای هاشمی رفسنجانی نیز با پرداختن به مسائلی که فشا رتوده ها و شرایط مبارزه طبقاتی فلان مقام رژیم اسلامی را ناچار به طرح آنها مینماید و ممکنست خیلی زودتر از انتظار آقایان نقاب از چهره این یا آن سیاستمدار در حاکمیت کنونی بردارند و با فرصتی بدست دهد که توده ها با اتکاء به هوش و خلاقیت خود رژیم جمهوری اسلامی را بهتر بشناسند، مخالفان است! بغیر از اینان، بسیاری دیگر از سردمداران حکومتی نیز صراحتاً مخالفت خود را با بیان صریح وقایع برای مردم، بر زبان آورده اند که یادآوری تک تک آنها تنها مطلب را طولانی خواهد کرد.

اکنون این سؤال پیش می آید که اینان چگونه مدعی "نمایندگی مردم" (!!) میشوند وقتی که از طرح مسائل مربوط به رابطه مردم با خود و سایر همبالمگهایشان در رژیم کنونی، بویژه مسائلی که بوی فاش شدن هویت واقعی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در نزد خلق از آن بمشام میرسد، اینهمه وحشت دارند؟ آیا نه اینست که خود بهتر از هر کس میدانند سیاستها را که اتخاذ میکنند، جزا رگزاری و دلالتی برای امپریالیسم و ارتجاع چیز دیگری نیست و آیا نه اینست که خود بهتر از هر کس میدانند در پشت ظواهر سلیم النفس و عوامفریبانه آنان چه هیولاهای دیوسیرت و خائن و جنایت پیشهای خوابیده است؟

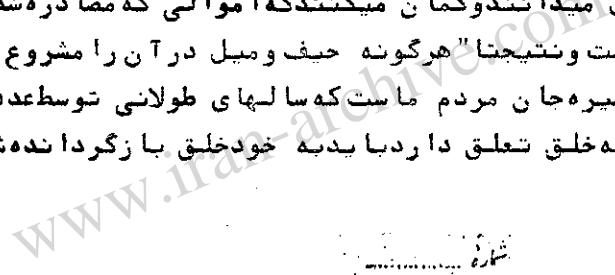
بقیه از صفحه قبل

مانمی رسد. یک زن از درون اتوبوس گفت: باباشماها می - زن گفت: آقا جان مگه مغز خر خوردی؟ نمی دم، خواهی دید همین فردا مملکت درست بشه، خوب معلومه اولش همینه، ماه رمضان رو واسه همین چیزا گذاشتن (گزارش در آخرین روزهای ماه رمضان تهیه شده است) یک مرد دیگر گفت: والله ما که هر روزمون ماه رمضان، چون همیشه خدا گرسنه ایم، برو خانم جمعش کن، اون رو هم واسه خر کردن من و شما گذاشتن. راننده بابی حوصلگی پرسید: بالاخره میسدی بلیط یا نمی دی؟

“ بنیاد مستضعفان ”

با اموالی که به خلق تعلق دارند چه کرده است؟

“ بنیاد مستضعفان ” اموال فراریهای رژیم سابق را که در واقع به بهای استثمار بیرحمانه خلق ایران و غارت وحشیانه دسترنج مردم و منابع ملی این آب و خاک بچیب زده بودند، از اختیار آنان خارج ساخته است. جا دارد پرترسیده شود این ثروت ضبط شده توسط بنیاد که حق مسلم توده هاست و بخشی از آن بوسیله اسناد خود “ بنیاد مستضعفان ” در زیر درج میگردد، در چه راهی مورد استفاده قرار گرفته و رژیم جمهوری اسلامی باید به خلق ایران، بخصوص به آلونک نشین ها، زاغه نشین ها، آنها که در بیغولها، حلبی آبادها، حصار آبادها و..... زندگی میکنند توضیح دهد که از کاخهای این جنایت پیشگان چه استفاده هائی به عمل می آید و اموال این جانیان چگونه هزینه میشود تا روشن شود آیا با کوتاه شدن دست آنها، خلق به بخشی از حقوق مسلم خویش دست یافته است یا آنکه بجای گذشتگان مهره های جدیدی شمره زحمات مردم را بتاراج می-برند و بازای مزدوری برای رژیم جمهوری اسلامی این اموال را با لایمیکشند؟ افتضاحات “ بنیاد مستضعفان ” در حیف و میل اموال صادره شده تا بدانجا کشیده است که برخی از سردمداران حکومت نیز که از خشم مردم وحشت زده شده اند، بناچار به کار “ بنیاد مستضعفان ” ایراد گرفته و بدان نام “ بنیاد مستکبرین ” را داده اند. اکنون دیگر حراجهای اموال صادره شده توسط “ بنیاد مستضعفان ” که بطور خصوصی صورت گرفته و میگیرد و عده ای از نور چشمی ها با کمترین بهاء اموالی را که به خلق ها تعلق دارد بچیب می زنند، شهره خاصی و عام گشته است. “ بنیاد مستضعفان ” با این اموال چه کرده است؟ نکند که سردمداران جمهوری اسلامی همانگونه که در نطقها، بیانیها و فتوای خود “ مالکیت ” را، حال به هر اندازه و شکل و به هر وسیله که بدست آمده باشد، مشروع و حلال میدانند و گمان میکنند که اموالی که صادره شده است واقعا “ متعلق به دم-کلفت های رژیم سابق بوده است و نتیجتا “ هرگونه حیف و میل در آن را مشروع می شمارند؟! آنچه در دست “ بنیاد مستضعفان ” است، شیره جان مردم ماست که سالهای طولانی توسط عده ای غارتگر و چپاولگر از خلق ما ربوده شده است. اموالی که به خلق تعلق دارد باید به خود خلق بازگردانده شود.



ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	کلاس پیونده	میزان اسپرد اموال
۱	پروین نیکخواه	حسن	۱۳۲۷/۵۸	اسپرد اموال تمام وزن و وزن اشی
۲	غلامرضا ایرج اجلی افشار	ایرج افشار	۱۳۲۹/۵۸	اسپرد اموال کتبه منزلت و نور منزلت شهم وزن و وزن اشی
۳	سرتگر علی شفا	احمد	۱۳۲۷/۵۸	اسپرد اموال خود شهم
۴	سرتگر محمد نوری	نورمحمد	۱۳۲۹/۵۸	اسپرد اموال خود شهم
۵	محمود جعفریان	محمد	۱۳۲۹/۵۸	اسپرد اموال خود شهم وزن و وزن اشی
۶	حسین علی بیات	سکس	۱۳۲۷/۵۷	اسپرد اموال خود و وزن و وزن اشی
۷	جعفر علی مستوفی صدری	فرح اله	۱۳۲۷/۵۸	اسپرد اموال خود و وزن و وزن اشی
۸	سلاو رجاف	داود بیات	۱۳۲۷/۵۷	حکم اسپرد اموال وزن و وزن و وزن اشی
۹	غلامحسین دانشی	علی	۱۳۲۷/۵۷	حکم اسپرد اموال منزلت و نور منزلت خود شهم وزن و وزن اشی
۱۰	نادر رجاییان	احسان اله	۱۳۲۷/۵۷	حکم اسپرد اموال منزلت و نور منزلت خود شهم وزن و وزن اشی
۱۱	حسن پاکروان	فتح اله	۱۳۲۷/۵۷	حکم اسپرد اموال منزلت و نور منزلت خود شهم وزن و وزن اشی

شماره ۷

تاریخ شماره پست

شماره ۸

تاریخ شماره پست

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	کلاس پرونده	میزان استرداد اموال	ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	کلاس پرونده	میزان استرداد اموال
۸۶	سهراب سعیدیان			گنجه اموال و شیخ بنیاد مستضعفان استرداد	۸۶	گنجه اموال و شیخ بنیاد مستضعفان استرداد	سعید		گنجه اموال و شیخ بنیاد مستضعفان استرداد
۸۷	جواد آریه			توقیف گنجه اموال	۸۷	حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول			حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول
۸۸	روشن آریه			"	۸۸	حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول			حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول
۸۹	د. آریه			"	۸۹	"			"
۹۰	اسکندر آریه			"	۹۰	"			"
۹۱	شهریار آریه (۱۳۰۰)			"	۹۱	"			"
۹۲	نورا آریه			"	۹۲	"			"
۹۳	سینا آریه			"	۹۳	"			"
۹۴	سید محمد علی آریه		۲۷۱۲	گنجه اموال منقول و غیر منقول استرداد و بنسج بنیاد کرد به خانه بخارا و مریف مستضعفان	۹۴	"			"
۹۵	سید محمد سعید آریه		۲۷۱۳	"	۹۵	"			"
۹۶	سید شکر آریه		۲۷۱۴	"	۹۶	"			"
۹۷	دکتر استوین آرام		۱۰۰۰۰۰	حکم توقیف گنجه اموال مان و رگزد به	۹۷	"			"
۹۸	سید محمد علی آریه		۱۱۰۰۰۰	اموال منقول و غیر منقول استرداد و رگزد به	۹۸	"			"
۹۹	محمد رضا نقابت		۱۰۰۰۰۰	حکم توقیف گنجه اموال	۹۹	"			"
۱۰۰	پوران خت آریه		۱۰۰۰۰۰	"	۱۰۰	توقیف گنجه اموال			"

شماره ۹

تاریخ شماره پست

شماره ۱۰

تاریخ شماره پست

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	کلاس پرونده	میزان استرداد اموال	ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	کلاس پرونده	میزان استرداد اموال
۱۰۱	رحمتی خرم		۲۷۱۵	حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول	۱۰۱	داود بیگ			حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول
۱۰۲	سید القابیان		۲۷۱۶	حکم توقیف گنجه اموال	۱۰۲	"			"
۱۰۳	محمد علی ملا محمدی		۲۷۱۷	حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول	۱۰۳	"			"
۱۰۴	خلیل صادمان		۲۷۱۸	حکم توقیف گنجه اموال	۱۰۴	"			"
۱۰۵	سید کریم رحمانی		۲۷۱۹	حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول	۱۰۵	"			"
۱۰۶	سید حسن رحمت آریه		۲۷۲۰	حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول	۱۰۶	"			"
۱۰۷	جهان شاه آریه		۲۷۲۱	حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول	۱۰۷	"			"
۱۰۸	پاورد آریه		۲۷۲۲	حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول	۱۰۸	"			"
۱۰۹	شبه آریه		۲۷۲۳	حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول	۱۰۹	"			"
۱۱۰	د. آریه		۲۷۲۴	"	۱۱۰	"			"
۱۱۱	سهراب آریه		۲۷۲۵	حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول	۱۱۱	"			"
۱۱۲	استخر خرمی		۲۷۲۶	حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول	۱۱۲	"			"
۱۱۳	هما حکم زاده		۲۷۲۷	حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول	۱۱۳	"			"
۱۱۴	اسیر خداری		۲۷۲۸	حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول	۱۱۴	"			"
۱۱۵	علیرضا آریه		۲۷۲۹	حکم استرداد اموال و تارپ درجه اول	۱۱۵	"			"

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	کلاس پیرونده	میزان اشتراک از اموال	ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	کلاس پیرونده	میزان اشتراک از اموال
۱۳۱	هدایت اله اسلامی		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۴۱	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال
۱۳۲	سید سعادت محمد		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۴۲	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال
۱۳۳	بروز خسروانی		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۴۳	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال
۱۳۴	حاج میرزا صوریان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۴۴	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال
۱۳۵	جهانگرا سفیدباز		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۴۵	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال
۱۳۶	شعبان جعفری		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۴۶	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال
۱۳۷	میرزا روحانی		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۴۷	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال
۱۳۸	سیدی مریمی طابع		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۴۸	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال
۱۳۹	داود معنوی		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۴۹	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال
۱۴۰	عزت آقچه شوجه		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۵۰	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال
۱۴۱	التماس ابریشمی		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۵۱	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال
۱۴۲	شوکت آلمین		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۵۲	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال
۱۴۳	خلال آهنگیان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۵۳	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال
۱۴۴	سید مهدی سیرات		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۵۴	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال
۱۴۵	قاسم طاباساز		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال	۱۵۵	سرتک بونسلان		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	کلاس پیرونده	میزان اشتراک از اموال	ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	کلاس پیرونده	میزان اشتراک از اموال
۱۳۱	حیدر مهدوی		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال - و اقارب درجه اول	۱۳۱	فریدون مهدوی		۲۰۰	اشتراک کلبه اموال - و اقارب درجه اول
۱۳۲	غلامرضا محمد		۲۰۰	"	۱۳۲	سید محمد صدیق		۲۰۰	"
۱۳۳	فرح معصومان		۲۰۰	"	۱۳۳	امیر اصطلان انشار		۲۰۰	"
۱۳۴	فراتریبیاوان		۲۰۰	"	۱۳۴	پرویز ثابتنی		۲۰۰	"
۱۳۵	سروش سزاد		۲۰۰	"	۱۳۵	سرتک بونسلان		۲۰۰	"
۱۳۶	منصور خدام		۲۰۰	"	۱۳۶	سرتک بونسلان		۲۰۰	"
۱۳۷	عن اله شام		۲۰۰	"	۱۳۷	دکتر محمد ماهری		۲۰۰	"
۱۳۸	دکتر ناصر خدام		۲۰۰	"	۱۳۸	طنی عنده		۲۰۰	"
۱۳۹	مدح اله اخوان		۲۰۰	"	۱۳۹	سید اله رشتیان		۲۰۰	"
۱۴۰	طیل اخوان		۲۰۰	"	۱۴۰	مرتضاه معنیان		۲۰۰	"
۱۴۱	حسب اخوان		۲۰۰	"	۱۴۱	دار برزق شامپون		۲۰۰	"
۱۴۲	ما نلاج		۲۰۰	"	۱۴۲	منشی معنایی		۲۰۰	"
۱۴۳	خوشگ نهاردی		۲۰۰	"	۱۴۳	حسین آوزگار		۲۰۰	"

نیایشگاه

۱۵

نیایشگاه

نیایشگاه

۱۶

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	کلاس برنده	سزای استرداد اموال	ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	کلاس برنده	سزای استرداد اموال
۱۰۱	خداداد فرمان نماند		۱۲۶	استرداد کلیه اموال و آثار درجه اول	۱۰۱	عظالمه روحانی		۱۲۶	استرداد کلیه اموال و آثار درجه اول
۱۰۲	شاهین اردشیر				۱۰۲	مناجبت جوادحیان			
۱۰۳	فرسج اوسه				۱۰۳	حسین طوی خداداد			
۱۰۴	براد اوسه				۱۰۴	ارتشید رضا طوی			
۱۰۵	امیر شمس				۱۰۵	غیاث العیسیانی			
۱۰۶	زهرا همزی				۱۰۶	صابر علی حسینی			
۱۰۷	محمد شامی نژاد				۱۰۷	صابر حسینی احمد			
۱۰۸	شیرین سار تانی				۱۰۸	شیرین سعید انصاری			
۱۰۹	مهتاب ریاضی زکات				۱۰۹	مهتاب ریاضی زکات			
۱۱۰	طی رضا حسینی				۱۱۰	حسین زینب احترام			
۱۱۱	حیر ناصر ادبیا				۱۱۱	کتور حسینکه رام			
۱۱۲	گسبر پاناسا				۱۱۲	امیر حسین خورشید نام			
۱۱۳	سرهنگ فریدون درویش				۱۱۳	فریدون درویش			

۱۷

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	کلاس برنده	سزای استرداد اموال
۱۱۴	عبدالصمد مجیدی		۱۲۶	استرداد کلیه اموال و آثار درجه اول
۱۱۵	مهداد بیژد			
۱۱۶	عصر صابر			
۱۱۷	سرهنگ طی زینبانی			
۱۱۸	محمد شور آرماد			
۱۱۹	علی رضا حسینی			
۱۲۰	سپهر انجمن			
۱۲۱	دکتر شجاع الدین شیدا			
۱۲۲	پراشنگر امیرحسین			

لشت نشاء: رفقای هوادار در لشت نشاء، طی اطلاعیه‌ای خبر جنایت وحشتناک ارتجاع را با کاهشی عموم مردم رساندند و متن اطلاعیه عیناً به‌ترتیب است:

جنایت وحشتناک ارتجاع در لشت

دیروز بعد از ظهر پنجشنبه / رفیق فریاد حسن صالحی در بند

نقره دشت - لشت در مقابل چشم صدها نفر از اهالی محل

به دست سپاهیان پادشاه جمهوری اسلامی ترور شد.

ما این ترور ناجوانمردانه را مستحکم کرده، و ایمان داریم که

از خون پاک این رفیقان بی سلاح، هزاران رفیق مسلح تولید

خواهند یافت که انتقام خون رفیقان را بازپس ستانده، و ایران

را گورستان امپریالیسم و ارتجاع خواهند نمود.

در آرزوی آن روزهای خوب (جمعه ۱۴ شهریور ۵۹)

چریکداران چریکهای فدایی خلق ایران - لشت نشاء

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر

هم میهن عزیز!

چریکهای فدایی خلق ایران برای پیشبرد امر مبارزه شدیداً به کمک مالی شما نیازمندند. این کمکها را بوساثل مقتضی و از طریق مطمئنی که خود می‌شناسید در اختیار ما قرار دهید.

رفقای مسئول توزیع خبرنامه

بهای خبرنامه ۲۰ ریال است، ولی برای توزیع آن در بین زحمتکشان بولی دریافت نکنید.